هنر چیدمان منزل

در پس هیاهوی شتابزده شهر، هنوز هم اشتیاق آدمیان به داشتن استراحتگاهی آرام هویداست، و بی‌شک فضای خانه بی‌جایگزین است.

در خلق آرامش تلاش فراوان می‌کنیم، به این سو و آن سو سرک می‌کشیم، اما گاه درمی‌یابیم که فراسوی این همه تلاش حتی رویای آرامش هم بافته نشده است. اگر دیدگان بگشائیم، درمی‌یابیم حقیقت آرامش در همین نزدیکی است و تنها کافی است به آن روح بخشیم، رها از هر آنچه که سبک و قاعده نام دارد.

بیایید درست ببینیم و فضای اطراف خود را با حقیقت وجود شناسایی کنیم و تا آنجا که در توان داریم از حواشی بکاهیم. بد نیست نیم‌نگاهی به دیدگاه مینیمالیسم داشته باشیم، به حداقل اکتفا کنیم و با حداقل، لذت بیافرینیم.

فراموش نکنیم که همیشه همین ازدیاد است که سدی فراسوی عبور می‌آفریند. ساده باشیم اما ساده‌انگاری نکنیم.

اصلا چرا در فضای اطراف‌مان به هم‌نشینی رنگ‌ها توجه نکنیم. بهتر است از ترکیب‌های آرام استفاده کنیم، ترکیب‌های راستگو و منصف، رنگ‌هایی مثل آبی، سبز، فیروزه‌ای، ارغوانی، بنفش و سایه‌هایی از صورتی و آبی کمرنگ برای این منظور ایده‌آل است. فضاهای پهناور و خطوط کُند و با انحناهای ملایم بر آرامش رنگ‌ها می‌افزاید و سپیدی که پادشاه صافی‌هاست.

و اما نحوه‌ی چیدمان فضایی که قرار است در آن به آرامش برسیم:

گام اول رجوع به خویشتن است و گوش فرا دادن به آوای درون، بی‌هیچ تکلف و تقلید و فارغ از هرگونه باید و نباید.

گام بعدی تطبیق بافته‌های رویا با ایده‌ها و دیدگاه‌های نوین است که اصلا بر اساس زندگی امروزی خلق شده‌اند. به عنوان مثال همین نظریه مینیمالیسم بر این پایه استوار است که از هر آنچه زاید است صرف نظر کنیم، از ازدیاد بپرهیزیم و با کمترین امکانات نیازها را پاسخ دهیم و درواقع آرامشی حقیقی بیافرینیم. مبلمان هم هر چه ساده‌تر و راحت‌تر و اگر فضا اجازه دهد هر چه وسیع‌تر.

یادمان نرود که با زیبایی‌شناسی و خلق زیبایی گامی هم برای نزدیکی به خالق برمی‌داریم پس فضا را تا آنجا که امکان دارد زیبا بیافرینیم و با لوازم به مهربانی رفتار کنیم. فرشی بگسترانیم که پاهامان را نوازش کند، ابریشم یا گلیم بودنش فرقی ندارد. کف خانه را از جنسی بپوشانیم که روح بیافریند، این هم سنگ و چوب و موکت بودنش مهم نیست، فقط با تمام سادگی! پنجره‌ها را با زیباترین و بی‌آلایش‌ترین پرده‌ها زینت بخشیم نه آنکه از ترس بهم خوردن آرایش پرده‌ها حتی دیدگان پنجره‌ها را نابینا کنیم و راه عبور نور را ببندیم. طوری چیدمان کنیم که بتوانیم با لوازم بازی کنیم تا از تکیه زدن بر یک جایگاه، خسته و خموده نشوند.

در بازی با نور دقت کنیم که چشم‌هامان آزار نبینند؛ و اطراف‌مان را با هر آنچه آرامش می‌بخشد تزئین کنیم، فقط مواظب باشیم که هارمونی و هماهنگی گم نشود گرچه تضاد نیز داستانی بس شیرین دارد. به یاد داشته باشیم که دنیا اصولی منظم و حساب شده دارد و خانه‌ی ما هم گوشه‌ی امنی از همین دنیای منظم و بی‌نقص است. لوازم را طوری بچینیم که به همه چیز دسترسی آسان داشته باشیم البته با لحاظ کردن نظم و ترتیب که خود از پایه‌های خلق آرامش است. فضای خانه را دوست بداریم و به گرمی زینت بخشیم، از کجا که اشیاء ساکت، روح نداشته باشند؟! با لوازم به مهربانی رفتار کنیم، مطمئن باشیم که خود در چیدمان ما را یاری خواهند کرد. ساده باشیم اما ساده‌انگاری نکنیم و زیبایی را با همین سادگی به نمایش بگذاریم.

عکس: ح. کریمی

ساده باشیم، اما ساده‌انگاری نکنیم

اکنون گذری داشته باشیم به دنیای رنگ‌ها و چگونگی کاربرد آنها در محیط زندگی:

در نقاشی ساختمان رسم بر این است که ابتدا برای سقف و بدنه‌ی دیوارها رنگی را انتخاب می‌کنند و سپس سایه‌های مناسبی را در پیش‌آمدگی‌ها برای جداسازی و هماهنگی به کار می‌برند. هنگام اجرای رنگ‌آمیزی اگر چند رنگ را در نظر داریم، قاعده‌ی کلی بر این است رنگی که بیشترین سطح را اشغال می‌کند، مقدم بگیریم. همخوانی رنگ‌ها حرف اول استفاده از رنگ است اما انتخاب رنگ‌های متضاد به ما فرصت می‌دهد که سایه‌ها و رنگ‌های جداکننده را صبورانه کنار هم بنشانیم. به یاد داشته باشیم که بین تضاد و هرج و مرج در رنگ فاصله بسیار باریک است پس چنان محتاطانه عمل کنیم که تضاد با هرج و مرج آمیخته نشود.

برای افزایش هماهنگی بهتر است در رنگ‌های کاربردی محدودیت ایجاد کنیم، به عبارتی دیگر با دو یا سه رنگ کار کنیم نه بیشتر. هیچ چیز ویرانگرتر از کاربرد رنگ‌های متعدد و بی‌هویت نیست. بهتر است همیشه یک رنگ اصلی و تعیین‌کننده را در نظر بگیریم که بر دیگر رنگ‌ها حالتی از هدایت داشته باشد.

با این همه، ابتکار برتمامی این دستورها برتری دارد و یقین داشته باشیم که اجرای کاملا دقیق این بایدها و نبایدها بدون بکارگیری حس هنرمندانه و لحاظ کردن ابتکار، نتیجه‌ی مطلوبی نخواهد داشت. بنابراین بهتر است برای دستیابی به یک نتیجه‌ی مطلوب، این دستورات را با ابتکار درهم آمیزیم و در فکر نوآوری باشیم.

بازتاب و ترکیب رنگ‌ها

تعداد رنگ‌ها قابل شمارش نیست اما تمامی آنها ترکیبی از سه رنگ اصلی آبی، زرد و قرمز است که یا با یکدیگر درمی‌آمیزند و رنگ‌های تازه می‌سازند و یا به وسیله‌ی دو رنگ سیاه و سفید، تیره‌تر یا روشن‌تر، مرده‌تر یا زنده‌تر می‌شوند.

بازتاب‌های رنگ

◆**رنگ‌های گرم:** قرمز، زرد، صورتی، قهوه‌ای و شرابی را رنگ‌های گرم می‌گویند. در حقیقت طول موج نور قرمز بسیار به اشعه‌ی ماوراء بنفش نزدیک است که منشأ انتقال گرما می‌باشد. رنگ‌های گرم، تأثیری چون جریان مواد مذاب از دهانه‌ی آتشفشان دارند: مهاجم و توجه‌برانگیز. رنگ گرم خودنماست و احساسات را برمی‌انگیزد. وجود رنگ‌های گرم در محل کار آهنگ حرکت را سریع‌تر می‌کند. ترکیبات رنگ‌های گرم در کنار هم، جسور، غنی و زنده جلوه می‌کنند.

◆**رنگ‌های سرد:** طیف سبز یا بنفش که شامل آبی و سایه‌های خاکستری است، رنگ‌های سرد شناخته می‌شوند. این رنگ‌ها همان تأثیر سرمازایی را دارند. اثر این رنگ‌ها نقطه مقابل اثر رنگ‌های گرم است: فعالیت متابولیسم بدن را کُند می‌کنند و در بیمارستان‌ها برای آرامش بیماران روانی به کار می‌روند. رنگ‌های سرد، بیزاری و بیهودگی و دلگیری را بیان می‌کنند، در عین حال بازتاب رنگ‌های سرد همیشه هم منفی نیست، مجموعه‌ای از رنگ‌های سبز و آبی گاه احساس پاکیزه و جذاب فرو رفتن در یک آبگیر خنک کوهستانی را تداعی می‌کنند.

◆**رنگ‌های زنده:** سردی یا گرمی، در زنده‌نمایی رنگ بی‌تأثیر است. معمولا رنگ‌های پایه چون زرد و قرمز در گروه رنگ‌های زنده قرار دارند. کاربرد چنین رنگ‌هایی در اسباب‌بازی و یا لباس بچه‌ها، سلامت و شادابی و انرژی آنها را نمایش می‌دهد. اما استفاده از این رنگ‌ها در موارد دیگر خسته‌کننده است و گویی به روح آدمی می‌چسبد.

◆**رنگ‌های مرده و کدر:** طبیعتاً ما به رنگ‌های زنده گرایش بیشتری داریم. رنگ‌های مرده و کدر از افزودن میزان معینی از خاکستری به رنگ‌های پایه اعم از سرد و گرم به دست می‌آیند. این گونه رنگ‌ها مبهم و ناراحت و رمزگونه هستند و هیجان و اهمیت هر چیز را کاهش می‌دهند. این رنگ‌های بی‌روح برای القاء تفکر و رویا نیز کاربرد دارند و اگر در کنار یک رنگ زنده به کار روند تأثیر مطمئن‌تری بر جای می‌گذارند.

◆**رنگ‌های روشن:** رنگ‌های ملایم مثل ابرهای تابستانی، لطیف و رویایی هستند. اما طبیعت گرم یا سرد رنگ تأثیری در این بازتاب ندارد. اگر رنگ مهاجم سرخ، ملایم شود پیام دلنشینی خواهد داشت. در طراحی داخلی، رنگ‌های روشن از تأثیر دلگیر فضا می‌کاهند و تضاد مطلق آنها را با رنگ‌های تند نمایش می‌دهند. یک قطعه آبی آرام در میان قطعات تند، معصومیت ویژه‌ای می‌آفریند.

◆**رنگ‌های تیره:** نقطه مقابل رنگ‌های روشن، رنگ‌های تیره است. با مقدار معینی از مشکی، طیفی از رنگ‌های تیره ساخته می‌شود. قرمز تیره، ارغوانی تیره، سبز تیره و یا آبی تیره، احساسی از بزرگی و قدرت و فرادستی را منتقل می‌کنند که به اثاثیه اطراف ما نیز نوعی ارزش و قدمت و ویژگی می‌بخشند. تأثیر این رنگ‌ها وقتی به نهایت می‌رسد که در بین گروهی از رنگ‌های روشن‌تر به کار گرفته شوند.

ترکیب رنگ‌ها

◆**ترکیب‌های تهاجمی:** در این گونه ترکیب‌ها قرمز همیشه حرف اول را می‌زند و سپس نارنجی و زرد آن را تکمیل می‌کنند. جلوه‌ی رنگ قرمز حتی رنگ‌هایی مثل بنفش و یا قهوه‌ای را در اطراف خود محو می‌کند. رنگ قرمز فرمان‌دهنده است و برجسته‌تر و نزدیک‌تر دیده می‌شود. تأثیری که در چراغ قرمز چهارراه‌هاست، خود به خود در راننده حالتی از ایست و توقف را منتقل می‌کند.

◆**ترکیب‌های آرام:** وقتی می‌خواهیم توجه را به همه اطراف یک موضوع بکشانیم، بهتر است از ترکیب‌های آرام استفاده کنیم. این ترکیب نقطه مقابل ترکیب‌های تهاجمی است. در این گونه ترکیب‌ها رنگ‌های قوی و تهاجمی یا اصلا به کار نمی‌روند و یا کاربرد اندکی دارند. رنگ‌های سرد مثل آبی و سبز و فیروزه‌ای و ارغوانی و سایه‌هایی از صورتی و آبی کمرنگ جزء این دسته از ترکیب‌ها محسوب می‌شوند.

◆**ترکیب‌های مهیج:** در این نوع ترکیب‌ها، رنگ‌های متضاد و به ویژه قرمز، همانند ترکیب‌های تهاجمی نقش اول را بازی می‌کنند. این ترکیب مخصوص فضاهای بسته است و استفاده از رنگ‌های غیرمعمول که در طبیعت معمولا در کنار هم دیده نمی‌شوند، مثل قرمز و سبز تیره، قرمز و قهوه‌ای، قرمز و خاکستری و یا قرمز و بنفش، القاء یک فضای غیرعادی می‌کند که به قصد بالا بردن آمادگی، برای درک یک لحظه‌ی ویژه آفریده شده است.

◆**ترکیب‌های طبیعی:** در این ترکیب‌ها از رنگ‌های تیره و خاموشی که حالتی از یکنواختی می‌آفرینند، استفاده‌ی فراوان می‌شود. گویی این مجموعه رنگ‌ها را برای این گرد آورده‌اند که نیاز و اهمیت تحرک و درخشندگی را بیشتر درک کنیم. در فضای چنین ترکیب رنگ‌هایی به خوبی می‌توانیم اهمیت یک رنگ زنده و مهیج را درک کنیم. میزان استفاده از رنگ‌های زنده و درخشان بایستی در آن حد باشد که تأثیر محیط طبیعی اطراف را خنثی نکند.

◆**ترکیب‌های گرم:** می‌توان با یک رنگ‌بندی منطقی فضایی گرم ساخت، در حالی که در ترکیب، شاخص‌ترین نمونه رنگ گرم یعنی قرمز دیده نشود و برعکس رنگ‌های سردی چون آبی و سبز و خاکستری به نظر گرم‌تر و مطبوع‌تر بیایند. بدین ترتیب با افزودن کمی رنگ قرمز به آبی و سبز و حتی خاکستری ترکیبی حاصل می‌شود که به خوبی می‌تواند فضایی در عین گرما، بدون جنجال بسازد.

◆**ترکیب‌های سرد:** رنگ‌های سرد مثل سبز، آبی، بنفش و خاکستری احساسی از بی‌میلی، نفرت و سرما را منتقل می‌کنند و برای تجسم ساخته‌های غول‌آسای بشری مثل آسمانخراش‌ها که حس نامطبوع بیگانگی و بی‌هویتی و تحمیل را در انسان بیدار می‌کند، ایده‌آل است. ولی همین رنگ‌های سرد، اگر در مجموعه‌ای مناسب به کار روند، تمامی این برداشت‌ها را می‌توانند دگرگون کنند. مثلا رنگ سرد آبی، اگر در سرویس‌های بهداشتی به کار گرفته شود به نظر پاکیزه و بهداشتی می‌آید. در اینجا می‌توان با افزودن کمی زرد و قرمز، رنگ‌های سرد را در مرز بین سرد و گرم قرار داد. در این گونه رنگ‌بندی‌های سرد، قطعاتی از صورتی و بنفش می‌تواند بسیار اطمینان‌آفرین باشد.

◆**ترکیب‌های جوان:** توصیف ترکیب‌های جوان، طوری که با تعریف ترکیب‌های زنده و مهیج اشتباه نشود، اندکی دشوار است. تداعی جوانی در ترکیب‌بندی رنگ‌ها، با تداعی سرزندگی و درخشندگی به کلی متفاوت است. در این ترکیب‌ها ممکن است حتی یک رنگ به درخشندگی زرد، پیر و کهنه بنماید، اما رنگی مثل سیاه جوانانه باشد.

تصور می‌رود بحث در مورد رنگ‌ها تا همین حد کفایت می‌کند. امید آن می‌رود که مجالی باشد برای پرداختن به سایر مقولات چیدمان در شماره‌های آتی. □

گردآوری و ترجمه: سالی بصیرت

برگرفته از کتاب همنشینی رنگ‌ها، هیداکی شی جی‌وا

بهترین مقاله را انتخاب کنید ■ SMS ◀ ۳۰۰۰۷۴۶۸ ■ کد این مقاله ۱۳۳-۴